

Market and Law

در این مدخل در مورد بازار و ارتباط آن با حقوق بحث می‌شود. به‌ویژه در مواردی که بازار در رسیدن به تخصیص بهینه منابع و بیشینه‌سازی رفاه اجتماعی ناکام مانده و اصطلاحاً شکست می‌خورد، می‌توان با توسل به ابزارهای حقوقی عملکرد بازار را بهبود بخشید. به‌طور مشخص، در این مدخل در مورد ارتباط میان بازار و حقوق ذیل دو زیرمدخل تنظیم‌گری و حقوق ضدانحصار به‌عنوان مصادیق این امر مطرح و بحث می‌شود.

تنظیم‌گری

به باور برخی از صاحب‌نظران، ما امروز در عصر «دولت تنظیم‌گر» زندگی می‌کنیم. تنظیم‌گری مقوله‌ای بین‌رشته‌ای است که مورد توجه پژوهشگران در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی از جمله اقتصاد، حقوق، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی و... بوده است. البته وجود یا عدم تنظیم‌گری، شکل و نحوه اجرای آن مورد اختلاف این اندیشمندان نیز بوده است. به‌طور خلاصه تنظیم‌گری را می‌توان مجموعه‌ای از دستوراتی تلقی کرد که توسط یک تنظیم‌گر مقتدر (دولت) برقرار و اجرا می‌گردد. البته با در نظر گرفتن مفهوم «تنظیم‌گری هوشمند» دامنه تنظیم‌گران فراتر از دولت بوده و می‌تواند مشتمل بر شرکت‌ها، خودتنظیم‌گرها، اصناف تجاری و بازرگانی و حتی سازمان‌های داوطلب نیز باشد. علاوه‌براین، تنظیم‌گری در دو قالب «مفهوم چراغ قرمز» که به دنبال ایجاد محدودیت و عدم وقوع فعالیت‌های نامطلوب و «مفهوم چراغ سبز» که به دنبال هموارسازی مسیر و بستر وقوع فعالیت‌های مطلوب است به‌کار گرفته می‌شود (Baldwin, et al, 2012).

عمده توجیحات صورت‌گرفته درخصوص ضرورت تنظیم‌گری به مقوله شکست بازار باز می‌گردد. درواقع، ازمنظر اقتصادی مواردی وجود دارند که اگر بازار به حال خود رها شود، به دلیل عدم برقراری الزامات بازارهای رقابتی در دنیای واقعی، نتایج مطلوب مربوط به تخصیص بهینه منابع و بیشینه‌سازی رفاه اجتماعی حاصل نخواهد شد. در این موارد دخالت دولت در بازار و تنظیم‌گری فعالیت‌های مبادلاتی

کنشگران اقتصادی می‌تواند با بهبود عملکرد بازار و افزایش رفاه اجتماعی همراه باشد. علاوه‌بر ملاحظات بازاری، توجیحات با زمینه حقوق بشری و انسجام اجتماعی نیز برای تنظیم‌گری ارائه شده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین توجیحات بازاری تنظیم‌گری ارائه می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مواردی که بخش قابل توجهی از ادبیات تنظیم‌گری را به خود اختصاص داده است، پیامدهای خارجی مثبت و منفی است. در این مورد به دلیل وجود اشخاص خارج از بازار که از مبادلات بازاری تحت تأثیر قرار می‌گیرند، تخصیص منابع با بهینه اجتماعی منطبق نبوده و برای رسیدن به وضعیت بهینه اجتماعی نیاز است تا دولت با استفاده از ابزارهای بازاری (مالیات و یارانه پیگویی) و ابزارهای دستوری (تعیین استانداردهای مشخص) و کنترل و نظارت بر اعمال آنها دست به تنظیم‌گری بزند. یکی دیگر از موارد مهمی که دولت تنظیم‌گر وارد میدان می‌شود مربوط به عدم تقارن اطلاعات میان کنشگران اقتصادی است که می‌تواند منجر به کوچک‌تر شدن بازار و حتی عدم شکل‌گیری بازار گردد. دولت تنظیم‌گر با الزام کنشگران اقتصادی به افشای اطلاعات و قراردادن ضمانت اجرای کافی برای آن سعی در حل این نارسایی می‌کند. این امر به‌ویژه در بازارهای مالی از اهمیت بیشتری برخوردار است. مورد دیگر نیز تنظیم‌گری‌های مرتبط با حوزه امنیت و سلامت است که با هدف ارتقای سلامت عمومی جامعه صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از توجیحات درخصوص ضرورت تنظیم‌گری، انحصار و ازجمله انحصارات طبیعی است. در این حالت، به دلیل وجود صرفاً یک بنگاه در بازار و وجود قدرت بازاری برای آن، قیمت‌ها نسبت به قیمت رقابتی بالاتر بوده که منجر به ایجاد زیان مرده و کاهش رفاه اجتماعی خواهد شد. مداخله دولت تنظیم‌گر در این حالت به صورت تنظیم‌گری قیمت خواهد بود. هرچند این شکل از تنظیم‌گری به دلیل آثار تحریفی که ممکن است به همراه داشته باشد، مورد توافق اقتصاددانان نبوده است.

قانون ضدانحصار (آنتی‌تراست)

حقوق آنتی‌تراست در مواردی ضرورت دارد که امکان شکل‌گیری بازارهای رقابتی وجود داشته باشد و ابزارهای قانونی بتوانند مانع از تبدیل این بازارها به بازارهای انحصاری شوند. درواقع، حقوق آنتی‌تراست با تعیبه مسئولیت‌های مدنی

تلاش اقتصاددانانی نظیر جورج استیگر و الیور ویلیامسون نشان داد که حتی اگر ادغام‌های این چنینی منجر به افزایش قدرت بازاری و انحصار گردد، در صورت کاهش هزینه‌های تولید به دلیل افزایش مقیاس تولید اقدامی کارا است. در نتیجه این تلاش‌ها بود که اقتصاددانان و قضات دریافتند که صرفاً افزایش تمرکز نمی‌تواند انحصار تلقی گردد و این امر صرفاً عاملی است که می‌تواند دولت را دعوت کند تا آن ادغام را به چالش کشد. (Stigler, 1982 and Armentano, 2007)

نگرانی‌ها در خصوص انحصار با تشخیص عدم ضدرقابته بودن اقداماتی که به طور سنتی تصور می‌شد ضدرقابته هستند طی دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای رو به کاهش بوده است. به طور مثال، قیمت‌گذاری تهاجمی که به طور سنتی تصور می‌شد که ابزاری برای حذف رقبا و ایجاد انحصار است، نشان داده شده است که در عمل کاربرد چندانی نداشته و حتی در معدود موارد به کار گرفته شده نیز با توفیق همراه نبوده است. این مشاهده به قدری قوی بوده است که حتی دادگاه عالی در ایالات متحده نیز به نتایج این مطالعات در آرای خود ارجاع داده است (Elzinga and Mills, 2014). با مرگ نظریه‌های قدیمی انحصارگرایی، نظریه‌های جدید با به عرصه وجود گذاشتند که عمدتاً از نظریه بازی در تحلیل‌های خود بهره می‌جویند. به عنوان مثال، یکی از استراتژی‌ها بنگاه‌ها می‌تواند افزایش هزینه‌های بنگاه رقیب و یا ایجاد محدودیت در دسترسی آنها به برخی از «امکانات اساسی» باشد که می‌تواند طبق قوانین آنتی‌تراست منجر به ایجاد مسئولیت برای بنگاه مزبور شود. بازنگری حوزه انحصار حاکی از آن است که بسیاری از انحصارات ایجاد شده ناشی از حمایت‌های دولتی و ایجاد مانع برای ورود رقبا به بازار است که در بسیاری از موارد از قوانین آنتی‌تراست نیز مصون هستند (Markovits, 2014).

امروز، آموزه‌های علم اقتصاد نشان داده است که بسیاری از اقداماتی که در راستای افزایش کارایی و استفاده بهینه از منابع بوده‌اند، به اشتباه و تحت لوای قوانین ضدتراستی ممنوع شده بودند و یا کماکان ممنوع هستند. به عبارت دیگر، وجود قوانین ضدتراستی در جهت افزایش هزینه‌های مبادلاتی عمل کرده‌اند. پرسشی که بلافاصله به ذهن می‌رسد آن است که اگر این قوانین در جهت حفظ منافع عمومی نیستند پس چگونه می‌توان

(به صورت جبران خسارت به قربانیان) و مسئولیت‌های کیفی (حبس و جزای نقدی) و اعمال دستور موقت و بررسی پیشینی برخی از اقدامات بنگاه‌ها که ظن نقض رقابت توسط آنها می‌رود به دنبال ایجاد بازدارندگی از انجام اقدامات ضدرقابته توسط بنگاه‌ها، پیشگیری از شکل‌گیری قدرت انحصاری و متعاقباً اقدامات ضدرقابته ناشی از آن به واسطه انواع ادغام‌ها و توافقات مشابه و نهایتاً جبران قربانیان نقض رقابت است. امکان پیگیری و تعقیب در حقوق آنتی‌تراست به هر دو صورت خصوصی و عمومی وجود دارد. اولین تلاش قانونگذاران در جهان برای جلوگیری از ایجاد انحصار و محدودیت‌های ناشی از آن در انجام مبادله در قانون شرمن در حقوق نانوخته در آمریکا تبلور یافت. در واقع، باتوجه به ایجاد زیان مرده ناشی از انحصار که خود ریشه در کاهش مبادله در این نوع بازارها دارد، قوانین ضدانحصار ابزار حقوقی برای جلوگیری از شکل‌گیری این قبیل بازارها بوده است. دومین قانون در این زمینه نیز، قانون کلابتون در سال ۱۹۱۴ در آمریکا بوده است که برخلاف قانون شرمن، اعمالی که منجر به ایجاد رویه‌های انحصاری می‌شوند از جمله ادغام (در صورتی که به طور محسوسی منجر به کاهش رقابت شده و یا در جهت تشکیل انحصار باشد) و تبعیض قیمت در آن به طور صریح مشخص شده است.

یکی از موارد شایع در قوانین آنتی‌تراست، ادغام و تملک است. در گذشته، کارشناسان این حوزه معتقد بودند که ادغام‌های عمودی که در آن یک بنگاه، عرضه‌کننده یا سایر بنگاه‌هایی که مشتریان وی هستند را تملک می‌کند ضدرقابته بوده و باید مانع از انجام آن شد. هرچند، امروزه بیشتر آنها بر این باورند که این امر دیگر باعث کاهش رقابت نمی‌شود. پیشرفت صورت گرفته در این حوزه مرهون تلاش‌های اقتصاددانانی نظیر آیرون دایرکتور، روبرت بورک و لستر تلسر در پروژه آنتی‌تراست در دانشگاه شیکاگو بوده است. آنها نشان دادند که برخلاف تصور عمومی، ادغام عمودی آثار ضدرقابته ندارد (Bork, 1978).

مورد دیگر نیز ادغام افقی است که در آن دو بنگاه فعال در یک صنعت با یکدیگر ادغام می‌شوند. در ظاهر این نوع ادغام با افزایش تمرکز بازار می‌تواند منجر به قدرت بازاری و افزایش قیمت گردد و قاعدتاً باید عملی ضدرقابته تلقی گردد. اما

وجود آنها را توجیه کرد؟ دسته‌ای از مطالعات نشان داده‌اند که اجرای قوانین ضدتراستی تا حدی متأثر از فشارهای سیاسی بوده است که ارتباطی با رفاه کل اجتماعی نیز نداشته است. به‌طور مثال، سیاستمدارانی که ادغام منجر به بسته شدن سایت‌های تولیدی و افزایش بیکاری در حوزه انتخاباتی آنها می‌شود، یکی از طرفداران اجرا و اعمال این دسته از قوانین بوده‌اند. (Kovacic and Shapiro, 2000)

کتاب‌شناسی

- Armentano, D. (2007). *Antitrust: A Case for Repeal* (3rd ed.). Ludwig Von Mises Institute.
- Baldwin, R., Cave, M., and Lodge, M. (2012). *Understanding Regulation: Theory, Strategy, and Practice* (2nd ed.). Oxford University Press.
- Bork, R. H. (1978). *The Antitrust Paradox: A Policy at War with Itself*. Basic Books.
- Elzinga, K. G., and Mills, D. E. (2014). Antitrust Predation and The Antitrust Paradox. *The Journal of Law and Economics*, 57(S3), S181 - S200. <https://doi.org/10.1086/676517>
- Kovacic, W. E., and Shapiro, C. (2000). Antitrust Policy: A Century of Economic and Legal Thinking. *The Journal of Economic Perspectives*, 14(1), 43 - 60.
- Markovits, R. S. (2014). *Economics and the interpretation and application of U.S. and E.U. antitrust law* (Vol. 2). Springer.
- Stigler, G. J. (1982). The Economists and the Problem of Monopoly. *The American Economic Review*, 72(2), 1 - 11.

مجتبی قاسمی

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی